



چرا مربیان ایرانی در بازارهای خارجی مشتری ندارند؟

# از کووید تا جزیو: چالش‌های قدیمی فدراسیون



آرمن ساروخانیان

روزنامه نگار

احتمالاً پایان کار فرهاد مجیدی در خارج از فوتبال ایران نیست و بعید نیست که تیم بعدی او هم در امارات یا یکی از کشورهای دیگر عربی باشد.

این سؤال بسیار مهمی است که چرا مربیان ایرانی بازار کاری در خارج از ایران ندارند و به جز فرهاد مجیدی که یک استثنا محسوب می‌شود، صادرات مربی ایرانی تقریباً صفر بوده؟ آنها همیشه مدعی‌اند که از مربیان خارجی چیزی کم ندارند، ولی در عمل بازار کارشان محدود به فوتبال ایران است و حتی راهی به کشورهای درجه دوم آسیا هم ندارند. شاید آنها مدعی باشند که دلیل ناپدید گشته شدن این است که فوتبال ایران بازتاب بین‌المللی زیادی ندارد و عملکردشان از چشم باشگاه‌های خارجی دور مانده است، ولی با ارتباطات فعلی دنیا نمی‌توان پذیرفت که فوتبال ایران مثل یک جزیره باشد و اطلاعاتش به بیرون درز نکند.

قطعاً قهرمانی بدون شکست استقلال نقش مهمی در انتخاب فرهاد مجیدی داشته، هرچند سابقه حضورش در فوتبال امارات هم در این انتقال مؤثر بود. به همین ترتیب موفقیت‌های یحیی گل محمدی از جمله دو قهرمانی متوالی در لیگ برتر و صعود به فینال لیگ قهرمانان رزومه پر و پیمانی برایش ساخته که می‌تواند او را به گزینه بعدی مربیگری در خارج از ایران تبدیل کند. یا اینکه چطور می‌توان تصور کرد ویتزینی مثل جام ملت‌های آسیا از چشم رسانه‌ها و تصمیم‌گیران فوتبال قاره دور بماند؟ مثلاً اگر قلعه‌نویی در این تورنمنت تیم ملی را به قهرمانی می‌رساند، قابل تصور نبود که پیشنهاد خارجی دریافت کند؟

**انگشت اتهام به سمت فدراسیون**  
پاسخ سؤالی که بالاتر مطرح شد را باید از فدراسیون فوتبال و کمیته آموزش پرسید. فوتبال ایران از نظر صدور

مدارک مربیگری نرخ بالایی دارد، ولی خروجی چیزی نیست که بتواند در بازار بین‌المللی حرفی برای گفتن داشته باشد. حتی این مربیان برای تأثیرگذاری در فوتبال ایران هم مشکل دارند. کافی است تعداد مربیان جدیدی که وارد چرخه مربیگری در لیگ برتر می‌شوند را با تعداد مربیان گمنام و درجه سوم خارجی مقایسه کنید.

البته مواعی را که مربیان جوان برای رسیدن به نیمکت‌های مهم فوتبال ایران دارند همه می‌دانیم و مربیانی را که همیشه راه میانبری به سوی پست‌های مهم دارند همه می‌شناسیم، با این حال نمی‌توان مشکلاتی را که در فرایند آموزش مربیان وجود دارد، نادیده گرفت.

جلال چراغپور که مدتی بحث حضورش در ریاست کمیته آموزش فدراسیون مطرح بود، یکی از منتقدان این ساختار است و می‌گوید: «مربیان ما همه از یک دریچه بیرون می‌آیند که کمیته آموزش فدراسیون فوتبال است، در حالی که در لیگ‌های معتبر دنیا این‌گونه نیست. کمیته آموزش ما از کف فدراسیون فوتبال آسیا تأثیر می‌گیرد، به نظر من آن سبک هم سنتی است و به همین خاطر کمیته آموزش ما ۲۵ سال است که از روش سنتی AFC بهره برداری می‌کند و به همین خاطر ۲۵ سال است که کمیته آموزش ما چیزی برای ارائه جدید به فوتبال ایران ندارد.»

«آن مصاحبه برای ۸ سال پیش بوده و منظور من نقش محیط در شکوفایی استعداد است، یعنی اگر مربی در آن محیط قرار داشت این اتفاق می‌افتاد.» فوتبال ایران در سال‌های گذشته بازیکنان بین‌المللی زیادی داشته که بخش مهمی از آنها استعداد‌های خودساخته‌ای هستند، ولی این موضوع درباره مربیگری که روز به روز پیچیده‌تر و علمی‌تر می‌شود صدق نمی‌کند و بدون تغییر سبک آموزش خبری از صادرات مربی هم نخواهد بود.

## فوتبال برای گذشته یا آینده؟

مرکز فنی «کووید چیانو» در فلورانس مثال روشنی است که چرا ایتالیا توانسته در سال‌های گذشته مربیان تراز اولی مثل کوتته، اینزاگی، دزبری و موتا بسازد و حضور پررنگ مربیان این کشور در لیگ‌های معتبر اروپا اتفاقی نیست. مربیانی که موفق به ورود به کووید چیانو

می‌شوند، باید متدهای جدید و تفکر تازه‌ای داشته باشند تا بتوانند در امتحان مربیگری شرکت کنند. مربی در دفاع از پایان‌نامه‌اش باید توضیح بدهد که ارزش آن در چیست، چگونه می‌تواند در فوتبال مدرن مؤثر باشد و به توسعه فوتبال در آینده کمک کند. مدیر این مدرسه تأکید می‌کند که در امتحانات مربیان استفاده از عبارات «دوره ما» و «تیم ما» ممنوع است، فکر آنها باید متوجه امروز و فردا باشد، نه آنچه در گذشته کاربرد داشته. گرفتن مدرک پرولیسنس از کووید چیانو کار سختی است و در هر دوره قبولی‌های محدودی دارد. یکی از قبول‌شده‌ها استراماچونی بود که مدتی به ایران آمد و در همان زمان کوتاه توانست استقلال را متحول کند.

چنین مجموعه‌ای برای فوتبال ایران خارج از تصور است، ولی حداقل می‌توان انتظار داشت که به قول چراغپور در سبک آموزش بازنگری شود.

## پایان ماجراجویی ۲۰ ماهه فرهاد مجیدی در لیگ امارات

# صف کوتاه مربیان خاکستری

وصال روحانی

روزنامه نگار

عزل فرهاد مجیدی از پست سرمربیگری تیم فوتبال اتحاد کلبای امارات که به سبب کسب نتایج بسیار ضعیف در مسابقات فصل جاری لیگ برتر این کشور صورت پذیرفت، یک‌بار دیگر این سؤال مهم را به ذهن‌ها آورده که به چه سبب تعداد مربیان ایرانی شاغل در سایر کشورها بسیار کم است و در میان همین عددها قلیل نیز فقط یک نفر (افشین قطبی) به موفقیت‌های بالنسبه مهمی رسیده و بقیه صرفاً نقش‌های درجه دوم و سوم را ایفا کرده‌اند. هرچقدر که بازیکنان نخبه ایرانی پرشتی هستند و چپ و راست لژیونر می‌شوند، مربیان ایرانی و یادآورگه‌ای که یک تبارشان ایرانی و ریشه دیگرشان خارجی است، مشتریان چندانی ندارند و نتوانسته‌اند کارهای پراهمیتی را به انجام برسانند و تیم‌های مختلف دنیا به استخدام خود ترغیب کنند. البته در گذشته نسبتاً دور ما امثال عباس رضوی را داشته‌ایم که در سطح بالای فوتبال سوئد و مجارستان مربیگری کرد و احمد طوسی هم که روزنامه‌نگار بود، فعالیت‌هایی در حرفه مربیگری در سایر کشورها داشت، حشمت مهاجرانی هم قابل ذکر است اما او به‌رغم توفیق‌های بزرگش در میانه دهه ۱۹۷۰ میلادی در تیم ملی بزرگسالان ایران هرگز طی اقامت طولانی‌اش در امارات کاری نکرد که نمونه باشد و باشگاه‌های این کشور برای جذب او سر و دست بشکنند.

## ۲۰ ماه بعد از یک کوچ پرشکوه

فرایند‌های فوق سبب شده ما بجز افشین قطبی که در ۳۰ سال اخیر در پست‌های مهم و تیم‌های مطرحی در سطح جهان سرمربیگری و کمک‌مربیگری کرده، هیچ مربی موفق و ماندگار و دارای رزومه‌ای چشمگیر

را در سایر کشورها نداشته باشیم. مجیدی که با جاه و جلال و شکوه فراوان ۲۰ ماه پیش از دل لیگ ایران به لیگ امارات کوچ کرد، روز جمعه گذشته به سبب ناکامی از هدایت اتحاد کلباء برکنار شد و نه تنها کاملاً سزاوار خلع بود، بلکه جای تعجب داشت که چرا سران این باشگاه این همه ملاحظه‌ها را کردند و بسیار زودتر از این عذرش را نخواستند. فهرست بسیار کم‌شمار سرمربیان و کمک‌مربیان ایرانی شاغل در سایر کشورها شامل اسامی پویا اسبقی، جهانپار محبی و البته امید نمازی هم می‌شود اما آنها تا این لحظه خالق توفیق مهمی نبوده‌اند. توفیقی که به جهانپار ثابت کند مربیان ایرانی هم می‌توانند مثل بازیکنان کشورمان لژیونرهای ارزنده‌ای باشند. به‌واقع صف تشکیل‌دهنده این دست‌مربیان بسیار کوتاه و کوچک و کم‌شمار و رزومه همه آنها (منهای قطبی) خاکستری است.

## در تضاد با عرف و سنن فوتبال امارات

آمار به ثبت رسیده توسط مجیدی طی بازی‌های فصل جاری لیگ امارات برکناری او را از هر جهت موجه می‌سازد. زرد و مشکی‌پوشان اتحاد کلباء با هدایت این مربی ۴۷ ساله در ۱۵ بازی برگزار کرده‌شان در فصل جاری لیگ امارات فقط سه بار برنده شده بودند و در ازای آن هشت شکست را تحمل کرده و به رده یازدهم جدول تنزل یافته بودند. اگر گل نتایج را کسب کرد، محاسبه نماییم، به‌آمار نامیدکننده‌تر ۱۹ شکست، ۱۰ تساوی و فقط ۱۲ برد طی ۴۱ مسابقه‌ای می‌رسیم که این تیم انجام داد. اتحاد کلباء در فصل گذشته با مربیگری مجیدی به رتبه هشتم رسید و با توجه به رسوم جاری در فوتبال باشگاهی امارات و کم‌صبر و بی‌رحم بودن سران باشگاه‌های این کشور گمان می‌رفت که همان موقع عذر مجیدی خواسته و مربی دیگری جانشین او شود، اما چون کلباء در آن

## از دستگیری تا دستگیری!

جهانپار محبی مربی ایرانی تبار ۳۲ ساله‌ای است که در سال گذشته میلادی به عنوان کمک‌مربی تیم شانگهای پورت به رسیدن این تیم به عنوان قهرمانی سوپرلیگ چین یاری رساند و با اینکه آینده او هم می‌تواند روشن‌تر از وضعیت امروز وی باشد اما تا اینجای کار سقف پیشرفت او همان پست کمک‌مربیگری در تیم‌های مختلف سطح جهان بوده است. محبی را به واقع باید شاگرد افشین قطبی و یک مربی جوان تحت حمایت وی تلقی کرد زیرا قطبی اکثر پست‌ها و شاغلانی را که طی سال‌های اخیر به محبی واگذار شده، پایه‌گذاری کرده و با توصیه این مربی بوده که محبی به کمک‌مربیگری در چندین تیم نائل آمده و در مواردی قطبی شخصاً محبی را به تیمی آورده که خودش سرمربیگری آن را برعهده داشته است. محبی ابتدا در تیم‌های «وینا» و «اف.آ.سه» وین در فوتبال باشگاهی اتریش کسب تجربه کرد و سپس با توصیه قطبی به‌عنوان یک آتالی‌زور در یک تیم باشگاهی تایلند به فعالیت پرداخت. قدم بعدی برای محبی فعالیت در باشگاه شیجیا ژوانگ چین بود که قطبی در این تیم از محبی به‌عنوان دستیار خود استفاده کرد. همکاری مجدد آنها به لیگ برتر ایران هم بسط یافت و در دوره بالنسبه کوتاهی که قطبی سرمربیگری فولاد خوزستان را برعهده‌دار بود، وی باز از محبی به‌عنوان دستیارش سود جست.

قطبی که پیش‌تر پرسپولیس را به شکلی پرشکوه قهرمان لیگ ایران کرده بود، در فولاد به موفقیت رسید و در نتیجه دوباره در معیت جهانپار به لیگ دسته اول چین بازگشت و این بار برخلاف مرتبه قبلی توانست تیم شیجیا ژوانگ را به لیگ برتر این کشور ارتقا بدهد. محبی در سال ۲۰۲۱ به لالیگای اسپانیا هم ورود کرد و آنجا به‌عنوان دستیار خاویر پریرا سرمربی وقت باشگاه لوانته فعالیت کرد و

سپس در رجعتی تازه و مجدد به لیگ چین و کمک‌مربیگری در باشگاه هنان سرانجام محبی توانست قهرمانی در سوپرلیگ این کشور را به عنوان کمک‌مربی شانگهای پورت در سال ۲۰۲۳ تجربه کند. سرمربی این تیم همان «پریرا»یی بود که پیش‌تر از محبی به‌عنوان یک دستیار در لوانته نیز سود جسته بود. محبی این روزها در پی کامل کردن مدارک مربیگری و کسب پرولیسنس در این رشته است تا در آینده فقط سرمربیگری کند اما تا اینجای کار او فقط و فقط نفر دوم یا سوم تیم‌هایی بوده که از وی در کادر فنی خویش بهره گرفته‌اند.

## یک استثنا کفایت نمی‌کند

اینکه چرا سایر مربیان لژیونر ایرانی به کارنامه‌ای در سطح رزومه قطبی نرسیده‌اند، مسأله‌ای است که باید مسئولان امر و کارشناسان فوتبال ایران آن را واکاوی و آسیب‌شناسی کنند تا مشخص شود چرا هیچ‌گاه مربیان ایرانی در خارج از مرزها جریان‌ساز نشده و کاری بزرگ نکرده‌اند و فقط شریک درجه دوم و سوم در خلق موفقیت‌هایی بوده‌اند که مربیان بالادست و غیرایرانی آنها پایه‌گذاری کرده‌اند. هرچه هست مجیدی هم از همین موج تأثیر پذیرفته و تابع اجباری خط ناکامی‌هایی بوده که برای اکثر مربیان ایرانی در خارج از مرزها رقم خورده و فقط یک استثنا (قطبی) برای سایه انداختن بر آن کفایت نمی‌کند. این در حالی است که از امید نمازی دستیار اول اسبق کارلوس کیروش نیز هیچ‌گاه کار مهمی در عالم مربیگری در سایر کشورها سر زده است.

